

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ اپریل ۲۰۲۰

تصحیح اشتباه پسنیده است، اما گفته اند: "سرخربالا شدن یک عیب، پائین شدن عیب دیگر"

سه شنبه- ۱۸ حمل ۱۳۹۹ - کابل: آنچه را به مثابه عنوان این یادداشت انتخاب نموده ام، حالتیست که اکنون "غنی احمدزی" و باندش با آن دست به گریبان اند و چنان فضائی را به وجود آورده اند توگویی افغانستان آزمایشگاه هست که در آن تمام افکار، عقاید و نظریه های شکست خورده و کهنه می باید تجربه شود، آنهم نه بدان خاطر که نتیجه آزمایش اهمیتی داشته باشد، صرف بدان منظور که آزمایشگاه بیکار نماند. چنانچه:

۱- آنهایی که با قضایای کشور آشنا هستند، حتماً به خاطر دارند که چند روز قبل، "غنی احمدزی" فرمانی در دو صفحه صادر و نشر نمود که به اساس آن، وزارت مالیه می بایست به سه بخش جداگانه منقسم می گردید، از جمله دو بخشی که درآمد ز و پول آور اند یعنی "گمرکات و عواید" به اداره امور ریاست جمهوری یعنی شخص رئیس جمهور و مشاور امور مالی اش انتقال بیابد و بخش تدوین و تعیین بودجه با جیب خالی و شکم گرسنه در خود همان وزارت باقی ماند.

این را هم شاید به خاطر داشته باشید که صدور فرمان ضمن آن که برای نخستین بار در نشرات کشور از جانب این قلم نقد و دامن زده شد و همزمان با آن مؤسسات و مقامات امریکائی نیز علیه آن موضع گرفتند و تقریباً بعدتر از طرف رسانه های داخل کشوری به بحث گرفته شد، روز گذشته "عبدالهادی ارغندیوال" وزیر تازه تقرر در وزارت مالیه دولت دست نشانده، ضمن یک مصاحبه رسمی اعلام داشت که فرمان مذکور از جانب شخص رئیس جمهور ملغا اعلام شده است. دلیل آن را نیز تغییر شرایط ظرف چند هفته و چند روز اعلام داشت.

در ادامه همین ماجرا، امروز "امر الله صالح" که هنوز وظیفه "جریب کشی" اش را درست درک ننموده و می خواهد از موضع "معاون اول ریاست جمهوری" حرف بزند، در صفحه فیسبوکش در پاسخ به معاون وزارت خارجه امریکا، نوشت که اساساً چنان فرمان نه وجود داشته و نه هم امضاء شده است تا کسی بیاید و طرح پس گرفتن آن را مطرح نماید.

۲- موجودیت فرمان و انتشار آن در رسانه ها و سکوت "غنی احمدزی" و باندش در قبال نقد های همگانی بعد از انتشار آن، صحبت دیروز وزیر مالیه تازه مقرر شده مبنی بر موجودیت و اعتبار آن دیروز و پس گرفته شدن آن بعد از

صدر فرمان جدید، وقتی با صحبت های "امراالله صالح" که می خواهد به مانند هر "نوکر نو" ی، آهو را "به دو" بگیرد، مقایسه گردد مسأله ایست که می تواند برخاسته از چند حالت باشد:

الف- از آن جایی که "غنی احمدزی"، "امراالله صالح" را به "جریب کشی" توظیف نموده، لذا مشوره و حتا طلاع دهی به چنان مسایلی را در صلاحیت "صالح" نمی داند، از همین رو، نه تنها وی را در جریان قرار نداده بلکه احتمالاً به پرسش در زمینه نیز "جواب سربالا" داده، مبنای گفتار "امر الله صالح"، جهل و بی خبری خودش می باشد.

ب- "غنی احمدزی" همزمان با توظیف "امر الله صالح" به "جریب کشی"، توسط کدام فرمان دیگری و یا هم به صورت شفاهی، وی را موظف نموده است، تا پمپاسی- نام فرنگی لته ای که با آن کون کودک را می بندند تا مواد غایبه اش بیرون را کثیف نسازد- در دست به دنبالش حرکت نماید، تا هرزمانی که وی "ریخی" در جایی زد، آن را پاک و پمپاس را عوض کند.

پ- حالت دیگری که باقی می ماند، خودخواهی و تکبر و انتقاد ناپذیری شخص "امراالله صالح" است. یعنی وی به جای آن که به مانند هر انسان معقولی بپذیرد، که اشتباه کرده اند و می خواهند اشتباه شان را اصلاح نمایند و از این طریق برای حاکمیت شان تبلیغ مثبت نمایند زیرا "انسان جایز الخطا" است، فکر می کند به محض آن که "چارزانو" نشست، می تواند منکر گوز متعنی که زده اند نیز بگردد، غافل از این که به علاوه آن که مردم گوش دارند و صدای "گوز" را شنیده اند، بوی گند آن تا هنوز در فضاء وجود دارد.

هموطنان گرامی!

همان طوری که در عنوان این مختصر نیز یادآور شده ام، تصحیح اشتباه امر نیک و پسندیده ایست، ما همه باید بپذیریم و یاد بگیریم که اشتباهات مان را تصحیح نمائیم، مگر این را نیز باید بدانیم که نخستین شرط تصحیح اشتباه اعتراف و به رسمیت شناختن نفس اشتباه است. یعنی تا وقتی نفس بروز اشتباه را نپذیرفته ایم و خواسته ایم آن را کتمان و انکار نمائیم، نمی تواند مسأله انتقاد از خود و بزرگی خود را نشان دادن مطرح باشد، بلکه این همان "بر خر" و "پائین خر" بودن است که در قسمت دوم عنوان از زبان توده های میلیونی مردم ما عیب دانسته شده است.

هموطنان گرامی!

این را باید به خاطر داشته باشیم که توله سگهای گماشته شده از جانب امپریالیسم با آن که همیشه دندانهای تیز و برنده شان را به مردم افغانستان نشان داده و باز هم نشان خواهند داد، مگر جرأت و گریزه آنها متکی به حمایت باداران شان است. اینها تا زمانی شجاعت دارند که باداران شان را در قفاپیشان می بینند، به محض آن که خود را تنها احساس نمایند همان موشهائی را مانند اند، که یک بار ضرب تلک را تجربه نموده باشند و با شنیدن صدای بلندی، طبق نظر "انعکاس مشروط پاولوف" موی بر بدن شان سیخ بگردد.

هموطنان گرامی!

این را نیز نباید از یاد ببریم که امپریالیسم امریکا آگاهانه و هدفمندانه، توله سگ جدید شان یعنی "صالح" را مقابل گرگ پیر شان "غنی احمدزی"، پرانچه می سازند تا در موقعش به اهداف شان نایل آیند.

سرکها ما را می طلبد!!